

بررسی نقش دین در جنبش‌های سیاسی-اجتماعی ایران از مشروطه تا کنون
قاسم اربابی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۹

چکیده:

در این پژوهش که هدف از آن بررسی نقش دین در جنبش‌های سیاسی از مشروطه تا کنون بوده است و محوریت پژوهش بیشتر با انقلاب شکوهمند اسلامی بوده است، اما در کنار انقلاب اسلامی به بررسی قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و مبارزات ملی شدن صنعت نفت نیز پرداخته شده است، بنابراین تلاش کردیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که آیا در این رخدادها تاثیر مثبتی داشته است یا خیر؟ روش پژوهش ما مروری و کتابخانه‌ای بر اساس اسناد محققین دیگر است که از کتب و مقالات آنان جمع آوری شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که دین می‌تواند تاثیر بسزایی در شکل‌گیری جنبش‌های مردم‌نهاد داشته باشد و باعث گردد تا با اتحاد مردم، آنان را در رسیدن به اهداف بلندشان یاری رساند.

واژگان کلیدی: دین، جنبش‌های سیاسی، انقلاب اسلامی و ملی شدن صنعت نفت

^۱ - دانشجوی دکتری، علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیستان و بلوچستان، ایران

مقدمه:

جهان در قرن بیستم، تحولات گسترده و وقایع متنوع، متضاد، تأثیرگذار و در عین حال خیره‌کننده‌هایی را شاهد بود. جنگ‌های جهانی، انقلاب‌ها، تعارضات و درگیری‌های میان جوامع، بخش قابل توجهی از این تحولات می‌باشد. برخی از این رخدادها با تمامی اهمیت آنها، دامنه اثر محدودی از خود به جای نهاده و در مقابل برخی پویایی جریان‌های درونی خود را حفظ نموده و گستره کلانی از ساختارها و فرآیندهای نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار دادند. انقلاب اسلامی ایران به تعبیر بسیاری از اندیشمندان، از مهمترین تحولات سیاسی اجتماعی دنیا در نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌رود و شکل‌گیری این انقلاب در کنار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از جمله حوادثی است که تأثیر فوق‌العاده و شگفت‌آوری در ورای مرزها و نظام بین‌الملل بر جای گذارده و تحولات ناشی از آنها، عناصر درونی نظام بین‌الملل را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار داده‌اند. حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملت ایران در پویش تاریخی خود پیوند گسست‌ناپذیری با دین و رهبران مذهب داشته است، چنانکه نیروهای مذهبی در اکثر قریب به اتفاق جنبش‌ها، حرکت‌ها، و نهضت‌های عدالت‌خواهانه که همواره در جای جای تاریخ این مرز و بوم به وقوع می‌پیوسته است، نقش بی‌بدیلی در هدایتگری سازماندهی و بسیج نیروها داشته‌اند. (طاهرزاده، ۱۳۹۰) اگر به تاریخ معاصر ایران نگاهی بی‌افکنیم نقش روحانیت شیعه در مسائل سیاسی و اجتماعی معاصر ایران کاملاً مشهود است. حضور روحانیت را به خوبی در قضایایی مانند: جنگ‌های ایران و روس، قیام تنباکو، انقلاب مشروطه، جنبش ملی کردن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد، و سرانجام انقلاب اسلامی می‌توان ملاحظه کرد. حضور گسترده مردم با انگیزه‌های دینی از یک سو و حضور مراجع علما و چهره‌های مذهبی در سطوح رهبری از سوی دیگر از مشخصه‌های بارز جنبش‌های مذکور است. به عبارت دیگر سنت بسیج توده‌ای در ایران به شدت متأثر از سنت‌های مذهبی و رهبران دینی آنهاست. بی‌تردید نمی‌توان نقش عالمان شیعی مذهب را در دگرگونی‌های تاریخ معاصر نادیده گرفت خصوصاً در دو تحول مهم دوران محمد رضا پهلوی، روحانیت نقش برجسته‌ای داشته است. روحانیون در ایران در این مقطع به گونه‌ای متفاوت به ایفای نقش پرداخته‌اند. امتیازی که عالمان شیعی را بر صدر رخدادهای تاریخ معاصر ایران نشانده است پیشوایی معنوی و سنتی ایشان در جامعه مذهبی می‌باشد. با این حال نباید فراموش کرد که روحانیت همواره توفیق استفاده شایان از چنین امتیازی را نداشته‌اند. در حقیقت کامیابی عالمان شیعی در

جایگاه سنتی خود همراه نیاز به بر آورده شدن دو عامل در ارتباط با ساختار درونی و روابط بیرونی نهاد روحانیت داشته است. نخستین عامل به درون مجموعه آنها در میزان هماهنگی علمای هر دوره برای دستیابی به آرمان مورد نظر خود و دومین عامل به چگونگی ارتباط بیرونی آنها با جریان‌های موجود در راستای هدفمند ساختن و تاثیر نهادن بر این جریانها سیاسی موجود مربوط می‌شود. (طهرانی، ۱۳۶۲)

مبانی نظری

در رابطه با توصیف اتفاقات و تبیین نقش دین در این اتفاقات از مشروطه تاکنون به بیان نظریات دینی در این رابطه می‌پردازیم:

الف- سرشت دین و انقلاب

دیدگاه‌های متعددی پیرامون این مسأله وجود دارد. برخی مذهب را صرفاً برای پاسخگویی به نیازهای روحی و فردی قلمداد می‌کنند. بر اساس این پندار، دین یک سلسله تعالیم اخلاقی و پند و اندرز است. در این رویکرد، دین نظامی از باورها و ایده‌های مجزاً و فارغ از موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه است. این تلقی بیشتر با آیین تحریف شده مسیحیت و تحولات پس از رنسانس، که منجر به جدایی دین از سیاست شد، منطبق است. اسلام با این نگرش به شدت مخالف می‌باشد. دیدگاه دیگر نسبت به دین نگرش محافظه کارانه دارد. تحلیل مارکسیستی از دین در این چارچوب قابل ارزیابی است. بر اساس این رویکرد، دین تنها در خدمت برخی از اقشار جامعه می‌باشد. یکی دیگر از دیدگاه‌ها نگرش مثبت و خلاق نسبت به دین است. (لینکلن، ۱۳۷۴) بر اساس این رهیافت، دین کارکردهای مؤثری از خود در عرصه اجتماع باقی می‌گذارد و در بردارنده راهبردهایی به منظور تأثیرگذاری بر همبستگی و یکپارچگی اجتماعی و تنظیم زندگی انسان در عرصه اجتماع است. بر اساس این دیدگاه، مذهب می‌تواند میزان خشونت در جریان انقلاب را افزایش دهد. انقلاب فرانسه با هدف جدایی دین از سیاست صورت گرفت. لذا، در تکوین این انقلاب، آیین مسیحیت نقشی نداشت و رهبران این انقلاب نه تنها دخالت مذهب را در امور سیاسی منع می‌کردند، بلکه بر اساس فرهنگ منتج از تحولات پس از عصر نوزایی، مذهب را صرفاً در قلمرو مسائل شخصی قلمداد کردند. (محمدی، ۱۳۷۶) همچنین در صدد تبیین این مسأله هستیم که انقلاب اسلامی نقطه مقابل انقلاب فرانسه

است. ریشه این انقلاب از اسلام است و با هدف احیای دین و حاکمیت ارزش‌های دینی در عرصه اجتماع شکل گرفت.

ب- خطوط کلی اسلام و انقلاب اسلامی

اسلام مبتنی بر یک نظام ارزشی است. در این نظام ارزشی، ویژگی‌ها و مشخصه‌های جامعه سیاسی آرمانی عرضه شده است. رهبران دینی بر اساس نظام ارزشی، شیوه‌ها و راهکارهای عملی دگرگون‌سازی جامعه در جهت دستیابی به جامعه آرمانی را ارائه می‌دهند. اسلام در کارپردازی روشها و شیوه‌ها، در مقایسه با سایر مکاتب، ملاک‌ها و معیارهای ویژه‌ای دارد که با آنچه امروزه در جهان متداول است، متفاوت می‌باشد. حرکت در چارچوب اسلام و حاکمیت اخلاق و اینکه اسلام استفاده از هر وسیله در جهت دستیابی به هدف را مجاز نمی‌شمرد، از خطوط کلی حاکم بر این شیوه‌هاست. قرآن کریم بسیاری از ابعاد نظام آرمانی اسلام را مشخص کرده است. تاریخ سراسر مبارزه شیعه نیز الهام بخش جامعه ایرانی در خلق انقلاب اسلامی بود. ارائه درک صحیح، دقیق و سازنده از تاریخ اسلام و تحوّل، موجب دگرگونی فکر و اندیشه مردم است. به اعتقاد برخی از محققان، محرک اصلی ایجاد انقلاب در ایران روح حاکم بر تفکر و جهان بینی اسلامی بود. پیش از ایجاد انقلاب جمعی در عرصه اجتماع، انقلاب فردی در درون رخ می‌دهد. (صدر، ۱۳۶۸) از آنجا که در جهت ایجاد انقلاب در اندیشه، باید در جهان بینی و وضعیت روحی جامعه تحوّل ایجاد شود، از رسالت‌های مهم پیامبران و رهبران الهی، دگرگونی فکر و اندیشه است. نظام اعتقادی اسلام نقش مهمی در موضع‌گیری انسان در عرصه اجتماع دارد. هر چه اعتقادات و باورهای جامعه از استحکام منطقی بیشتری برخوردار باشد نقش فعال‌تری در مواجهه با مشکلات و مصایب ایفا می‌کند، روح حقیقی توحید نفی فراعنه و طواغیت را در پی دارد و در رویارویی و مبارزه با شرک و ظلم قدرت مقاومت و پایداری می‌دهد. یکی از نویسندگان خارجی معتقد است که عقاید تشیع به گونه‌ای است که عناصر مبارزاتی و نیروی انقلابی به نحو چشمگیری در آن وجود دارد و مقاومت علیه مقتدر-ترین ظالم‌ها را توجیه می‌کند. اعتقاد به حیات اخروی، الهام بخش مبارزه در چارچوب آرمان شهادت طلبی و رسیدن به فوز عظیم و یا پیروزی و اجرای حدود الهی در جهان است. نبوت و امامت نیز گویای سیره رفتاری و گفتاری رهبران دینی به عنوان اسوه و راهنمای مردم به شمار می‌رود. زندگی سراسر مبارزه و جهاد ائمه اطهار در تاریخ پرافتخار تشیع، درس بزرگی برای پیروان آنان در طول تاریخ است. از این رو، تحوّلات انقلاب در طول تاریخ پس از عصر

غیبت ریشه در قیام عاشورا و موضع‌گیری سیاسی- مبارزاتی ائمه دارد. نظام حقوقی اسلام، ضرورت حاکمیت الهی در جامعه و ایجاد حکومت، عنصر اجتهاد و نهاد مرجعیت، ابوابی چون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر نقش مهمی در اتخاذ روش‌های انقلابی در مواجهه با حکام غیر دینی دارد. در نظام تربیتی اسلام نیز عناصر مهمی برای مواجهه با طواغیت وجود دارد. استاد شهید مطهری؛ معتقد است که نفی روحیه تمکین و سازش و در مقابل، واجد روحیه پرخاشگری بودن، طرد و انکار از زمینه‌های مهم عصیان و مقاومت علیه رژیم‌های ضد دینی به شمار می‌رود.

ج- ملی‌گرایی

از آنجا که دین در جامعه عامل همبستگی به شمار می‌رفت و با امیال رژیم گذشته سازگار نبود، لذا، درصد برآمد با تأکید بر ملی‌گرایی (ناسیونالیسم)، آرمان دیگری را که در همبستگی ملی، کارکردهایی مشابه دین اسلام ایفا می‌کند جایگزین آن نماید. از این رو، فلسفه سیاسی آن رژیم بر اساس ملی‌گرایی استوار گردیده بود. ملی‌گرایی دو جنبه داشت: از سویی، اسلام‌زدایی را وجهه همت خود قرار می‌داد و از سوی دیگر، به تبلیغ باستان‌گرایی می‌پرداخت. محورهای مهم باستان‌گرایی، که در جهت اسلام‌ستیزی مطرح شده است، بر سیاست‌های ذیل استوار بود:

الف: اسطوره‌سازی ملی: تکیه بر پیشینه تاریخی، راهی در جهت کسب مشروعیت رژیم تلقی می‌شد و شاه به عنوان مظهر وحدت ملی و حافظ ایران زمین معرفی می‌گردید. (فردوست، ۱۳۶۸)

ب: برگزاری جشن‌ها و یادبودهای واهی: در عصر پهلوی اول، یادبود هزاره فردوسی با هدف تأکید بر زبان فارسی، ملیت ایرانی و آیین زرتشتی و شاهنشاهی در مقابل دیانت اسلام مورد تأکید قرار گرفت و در عصر پهلوی دوم، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله با تبلیغات فراوان داخلی و خارجی و با هزینه هنگفت در تخت جمشید برگزار شد که منجر به واکنش شدید حضرت امام خمینی؛ و مجامع و محافل مذهبی در داخل و خارج گردید. (روحانی، ۱۳۶۵)

ج: بازنویسی تاریخ باستان: رژیم گذشته در جهت فراموشی و تحقیر فرهنگ و تمدن اسلامی، به بازنویسی آثار تاریخ باستان اقدام کرد و کوشید تاریخ ۲۵۰۰ ساله به گونه‌ای نوشته شود که دوره اسلامی کم‌رنگ، حقیر و عامل عقب ماندگی جامعه قلمداد گردد.

د- تأکید بر زبان فارسی و حذف واژه‌های عربی: یکی از ابعاد باستان‌گرایی احیای زبان

فارسی کهن و حذف واژه‌های عربی بود. هدف از این اقدام، انقطاع فرهنگی جامعه با پیشینه دینی آن بود. این سیاست در بسیاری از کشورهای اسلامی و از جمله ترکیه اعمال شد، اما در ایران با مقاومت اندیشمندان دینی و مردم مواجه گردید و به شکست انجامید.

د- نمادهای اسلامی

نمادهای اسلامی نشانه همبستگی جامعه محسوب می‌شوند. تاسوعا، عاشورا و اعیاد اسلامی از جمله این نمادها هستند. رژیم پیشین می‌خواست روزهایی چون جشن تاجگذاری را به عنوان جایگزین معرفی کند و این نمادها را، که ریشه در اسلام و فرهنگ ایران داشت، کم‌رنگ جلوه دهد و از بین ببرد. نمادهای اسلامی از دیگر شاخص‌هایی است که بیانگر نقش اسلام در تکوین انقلاب است. بزرگترین اعتراضات مردمی در طول انقلاب در تاسوعا و عاشورای حسینی شکل گرفته است. قیام ۱۵ خرداد نیز مصادف با ایام عاشورا بود. در سال ۱۳۵۷، بیش از دو میلیون نفر در تهران در راهپیمایی این روز شرکت کردند که موجب شگفتی ناظران خارجی شد. (برید و برانش، ۱۳۵۸) برگزاری مراسم یادبود برای شهدا از دیگر نمادهای دینی است که موجب تداوم حرکت انقلاب شد. این کار از سال ۱۳۵۶ شروع گردید. یک نویسنده خارجی در این زمینه می‌نویسد: «برگزاری مراسم چهلم از بهترین نمونه‌های استفاده از سنت‌های شیعی در جهت اهداف سیاسی بود». (کدی، ۱۳۶۹)

ملی شدن صنعت نفت

بعد از انقلاب مشروطیت دومین تند باد دگرگونی اجتماعی در ایران نهضت ملی شدن نفت و تحولات مربوط به آن است. جنبش ملی شدن صنعت نفت، مهمترین حرکت ضد استعماری در دهه ۱۳۳۰ ش (۱۹۵۰م) در منطقه خاورمیانه بود. ملی شدن صنعت نفت برگ زرینی در تاریخ معاصر ایران است. در این پیروزی عوامل متعددی نقش آفرینی کرده‌اند. چنانکه می‌توان گفت که با ائتلاف همه نیروهای مذهبی و ملی، گروه‌های سیاسی و متحد در برابر استعمار و استبداد، ملی شدن صنعت نفت تحقق یافت. در این میان نمی‌توان به راحتی از ایفای نقش مهم و حساس روحانیت گذشت. نقش آیت الله کاشانی، اقدامات نواب و فدائیان اسلام، فتوهای مراجع و علما از جمله نمونه اقدامات روحانیت در این دوران بود. اما نگاهی به نقش و جایگاه روحانیت در این مقطع زمانی ما را به این مهم می‌رساند که نقش روحانیت پیچیده، متناقض و همراه با نوسانات و گرایش‌های متخلف و گاه متضادی است و همین امر راه را

برای تعبیر و تفسیرهای متضاد هموار ساخته است. در این پژوهش به سنجش نقش روحانیت در این فرآیند می‌پردازد و ضمن ارزیابی وضعیت سیاسی و اجتماعی، روحانیت، دلایل این تفسیرها و گرایش‌های مختلف روحانیت در قبال ملی شدن صنعت نفت را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که، تاکید بر نقش روحانیت هرگز به معنای نفی نقش سایر نیروها و گروه‌های سیاسی در تحقق فرآیند ملی شدن صنعت نفت نخواهد بود. فهم عمیق دگرگونی‌های تاریخ معاصر ایران بدون بررسی نقش نیروهای مذهبی امکان پذیر نیست. تعاملات دین و جامعه ایران، یعنی روحانیون با نظام سیاسی بخش عمده‌ای از تحولات تاریخ ایران را به خود اختصاص داده است. روحانیون با در اختیار داشتن امتیازاتی مانند حضور دائمی در میان مردم، امتیاز آشنایی با اصول و قواعد دین و رسالت آموزش این احکام به مردم، خارج بودن از ساختار سیاسی، استقلال مالی از دولت و قدرت مذهبی آنها در قالب صدور احکام و فتواها... به عنوان یک نیروی اجتماعی موثر در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به ایفای نقش پرداخته‌اند. در واقع سنت بسیج توده‌ای در ایران به شدت تحت تاثیر دین و رهبران دینی بوده است. نقش حساس و مهم نیروی اجتماعی روحانیت، در تحولات سیاسی و اجتماعی را حمید عنایت اینگونه مطرح کرده است: «مروری بر انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶، قیام تنباکو در سال ۱۹۸۲، جنبش ملی کردن صنعت نفت در ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳، قیام عظیم ۱۹۶۳، و انقلاب ۱۹۷۹ به رهبری آیت الله خمینی (ره) نشان می‌دهد که در هر یک از این حرکات بسیار از مردم شرکت کرده‌اند. این، فقط بنا به درخواست رهبران مذهبی بوده است و بدون ترغیب رهبران مذهبی، شرکت مردم و حمایت آنان از این حرکات غیر ممکن بود. (عنایت، ۱۳۷۳: ۴) رایت گرهام در رابطه با نقش روحانیت شیعه می‌گوید: «واقعیت امر این است که روحانیت شیعه در میان مردم زندگی نموده و ارتباط بسیار بیشتر و نزدیکتری با آنها داشته است و در نتیجه از احساسات توده‌ها آگاهی بیشتری دارند زمانی که روحانیت با سیاست‌های دولت مخالفت می‌کند نظرات آنها دارای آن چنان مشروعیتی است که حتی در سخت ترین شرایط استبدادی مورد توجه قرار می‌گیرد از طرف دیگر شبکه ارتباطی روحانیت سیستم برقراری تماس با همه اقشار مردم را برای آنها فراهم می‌کند.» (Graham.1980.218) نخستین امتیاز بهره برداری از نفت ایران در دوره ناصر الدین شاه تحت عنوان امتیاز رویتر به اتباع خارجی اعطا شد. (میر ترابی، ۱۳۸۴: ۸۶-۴۱) در کنار سایر قرار دادهای دریافت امتیاز اکتشاف و استخراج نفت توسط ویلیام ناکس دارسی در ۱۲۸۰ از مظفرالدین شاه را می‌توان یکی از نقاط بسیار

تاریک در پرونده قرار دادهای نفتی دانست. قضیه نفت در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم شور و هیجان دیگری یافت و به نقطه عطف و حساسی رسید. کلمانسو مرد سیاسی معروف فرانسه صریحا گفته است، ارزش یک قطره نفت، مساوی با ارزش یک قطره خون است. ولرد کرزن، سیاستمدار مشهور انگلیسی می‌گوید: متفقین به پیروزی نایل نگردیدند مگر به واسطه وجود نفت. (لسانی، ۱۳۲۹: ۱) کوتاه سخن اینکه هر یک از ابرقدرت‌ها پس از جنگ جهانی دوم به نحوی به دنبال افزایش امتیازات و یا کسب امتیازات جدید بودند. انگلستان سعی می‌کرد سلطه خود را بر منابع حیاتی حفظ کند. شوروی در پی دوختن کلاهی از این نمذ برای خود بود و در این میان امریکا نیز به عنوان نیروی تازه نفس به دنبال کسب امتیازاتی در ایران بود. نفت از مسائل جنجالی برانگیز دهه ۲۰ بود. در مجلس چهاردهم بحث قرارداد ۱۹۳۳ هم مطرح شد و تقی زاده وزیر دارایی رضا شاه در زمان انعقاد قرارداد عنوان کرد که مجبور به امضای قرار داد بوده است. (مدنی، ۱۳۶۹: ۱۸۹) در سال‌های پایانی دهه ۲۰ بحث نفت دوباره اوج گرفت. افشای درآمد شرکت نفت مبنی بر اینکه این شرکت کمتر از ۱۵٪ سود خالص خود را به ایران پرداخته است و تنها میزان پرداختگی به دولت انگلیس چند برابر مبلغ پرداخت شده به ایران است. (فاتح، ۱۳۵۸: ۴۱۹) به هیجان عمومی علیه شرکت نفت انگلیس و ایران دامن زد. شرکت علی‌رغم چند برابر شدن قیمت از زمان قرارداد ۱۹۱۲-۱۹۳۳ میزان پرداختی خود به ایران را تغییر نداده بود. زیاده خواهی انگلیسی‌ها وقتی روشن تر شد که معلوم شد شرکت‌های نفتی امریکایی قراردادهای به مراتب بهتر از این قرارداد را بعد از آن با کشورهای همسایه (عربسان) منعقد کرده‌اند. انگلیسی‌ها با کمی افزایش در حق امتیاز موافق بودند و یک قرارداد الحاقی در این مورد پیشنهاد کردند ولی موفق به تصویب آن نشدند. (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۷۱) در آغاز سلطنت پهلوی و در شرایطی که ایران هنوز در اشغال متفقین بود شرکت‌های نفت امریکا و انگلیس جهت کسب امتیاز با دولت ایران وارد مذاکره شدند و شوروی هم بعد از اطلاع از این تلاشها در شهریور ۱۳۲۳ ش هیاتی را به ریاست کافتارزاده برای تقاضای امتیاز نفت به ایران اعزام کرد. دوره پانزدهم مجلس شورای ملی در ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶، پس از برگزاری جلسه افتتاحیه فعالیت خود را آغاز کرد. مجلس شورای ملی پس از چندی و در شرایطی که «سادچیکف» سفیر شوروی در تهران تصویب فوری قرارداد را به وسیله مجلس شورای ملی انتظار می‌کشید، بحث در مورد آن را آغاز کرد. نمایندگان مجلس پس از طرح موضوع، به بحث و بررسی پیرامون متن موافقت‌نامه پرداختند که با عدم موافقت مواجه شد و مورد تصویب

قرار نگرفت. علاوه بر این، دکتر رضازاده شفق، رییس کمیسیون خارجی مجلس و چند تن دیگر از نمایندگان نیز ماده واحده‌ای را مشتمل بر ممنوعیت واگذاری امتیاز استخراج نفت به خارجی‌ها پیشنهاد کردند که در نهایت با اکثریت ۱۰۲ رای در مقابل ۲ رای ممتنع به تصویب نمایندگان مجلس رسید. (فاتح، پیشین: ۳۵۴) با مخالفت مجلس دولت اعلام نمود که دادن هرگونه امتیاز باید به بعد از جنگ موکول شود، زیرا به دلیل وجود جنگ، وضعیت اقتصادی کشورها روشن نیست، در نتیجه تقاضای هر سه دولت رد شد. (ایرانی، ۱۳۷۱: ۸۳-۸۲) این امر زمینه مناسبی را برای طرح نظر دکتر مصدق فراهم آورد. دکتر مصدق در جلسه ۱۱ آذر ۱۳۲۳ ش طرحی به قید و فوریت به مجلس رساند که براساس ماده اول آن هیچ نخست وزیر، وکیل، کفیل وزارتخانه و معاون حق مذاکره در باب امتیاز نفت با هیچ یک از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دول مجاور را ندارد. (فاتح، پیشین: ۳۵۶) مصدق نیز پیشنهادی را در مجلس مطرح کرد که دولت را از اعطای هرگونه امتیاز نفتی بدون تصویب مجلس منع می‌کرد. شوروی از این پیشنهاد بر آشفت و اعلام کرد که این تصمیم صرفاً به نفع انگلیس است و اگر ایران در پی توازن است باید در قبال امتیاز نفت جنوب به انگلیس، امتیاز نفت شمال را به شوروی بدهد. مصدق زیرکانه پاسخ داد: این حرف مثل این است که به مردی که یک دست خود را از دست داده توصیه شود دست دیگرش را نیز قطع کند تا موازنه ایجاد شود. مجموعه این عوامل مانند: ۱- اهمیت نفت ایران و آگاهی عمومی از آن ۲- اعمال تبعیض پایمال کردن حقوق کارمندان ایران از سوی شرکت ایران و انگلیس ۳- کاهش عواید ایران از نفت ۴- انعکاس قرار دادهای تضعیف عواید با رژیم ۵۰-۵۰ در ایران (امینی، ۱۳۸۰: ۶۰-۵۸) و سایر عوامل و مخالفت مصدق و اقلیت کوچکی از نمایندگان مجلس و همین طور مخالفت برخی از روحانیون و اقداماتشان منجر به حوادث منتهی به وقایع ملی شدن صنعت نفت ایران شد. در طی چند قرن اخیر جایگاه مذهب در جوامع دچار تحولات بحران آمیزی شده است. موضوع نسبت دین و جامعه از جمله مباحث حساس و قابل توجهی است که به دلیل اجتناب نا پذیری آن در حیات اجتماعی بشری به طور دائمی مورد توجه محققان قرار گرفته است. جامعه شناسی سیاسی به عنوان دانشی که به پژوهش نقش نهادها و عوامل تاثیرگذار بر سیاست اهتمام دارد ناگزیر است از تفحص در نقش ادیان به عنوان موثرترین عامل تاریخی- اجتماعی در سیاست در سطح خرد و کلان است. نهاد مذهب و به تبع آن علما از گذشته‌های دور در ایران نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند تا جایی که به اعتقاد خانم لمبتون «آنچه که انسجام جامعه را

حفظ می‌کرد اسلام بود». (لمبتون، ۱۳۷۹: ۱۴۰) با نگاهی جامعه‌شناختی می‌توان گفت روحانیت شیعه لااقل از دوره صفویه از جمله نیروهای مقتدر اجتماعی و یکی از ارکان مهم جامعه مدنی به شمار آمده است آنان هم چون نیروها و گروه‌های دیگر اجتماعی، در تعامل با قدرت سیاسی علاوه بر ایفای نقش معنوی خود عهده دار نقش سیاسی نیز بوده‌اند که کارکردی چون مشارکت و نفوذ در ارکان دولت انزوا و انفعال سیاسی و اپوزیسیون داخلی، رهبری قیام‌ها و انقلاب‌های اجتماعی را می‌توان بر شمرد. در طول تاریخ معاصر ایران دین و مذهب بارها و در موارد گوناگون از طریق اعمال نفوذ روحانیت بر سیاست تاثیر گذارده است. خانم لمبتون یکی از محققان و نویسندگان تحولات معاصر ایران معتقد است «اعضای جامعه مذهبی نسبت به دیگران از احترام زیادی برخوردار بودند و چون رهبران آنها در مقابل تهدیدات دولت سپری برای مردم به حساب می‌آمدند، لذا مردم دست‌التجا به سوی آنها دراز کرده و حمایت و رهبری شان را خواستار می‌شدند. پیوند مستقیم مردم با تشیع، روحانیون را رهبر طبیعی آنها می‌کرد». (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۱۳) از دیدگاه روان‌شناسی نیز گوستاولوبون در روان‌شناسی توده‌ها معتقد است: «که توده‌ها همیشه از طریق یقین حاصل از دین حس آمادگی پذیرش یک عقیده و در نتیجه عمل برای آن را پیدا می‌کند». بررسی یقین توده‌ها در دوران عقیدتی و چه در زمان قیام‌های بزرگ سیاسی قرن گذشته نشان می‌دهد که این یقین‌ها همیشه شکل مشخصی دارند که من نام بهتری از «دین حسی» احساسی که از داشتن دین به انسان دست می‌دهد برای آن نمی‌شناسم». (لوبون، ۱۳۷۱: ۹۳) بنابراین حس ناشی از اعتقاد دینی یکی از مهمترین عوامل تحرک توده‌ها هست و مسلماً آن گروه اجتماعی می‌تواند در بسیج توده‌ها نقش مهمتری ایفا نماید که با اعتقادات و احساسات دینی مردم سر و کار داشته باشد که در ایران این گروه روحانیون بودند. در واقع فصل مشترک میان مردم و روحانیون مذهب بوده است. مذاهب بزرگ دنیا به یک میزان دارای داعیه سیاسی نبوده‌اند. البته آموزش‌های ادیان مختلف کم و بیش معطوف به زندگی اجتماعی بوده و از آنجائی که تا قبل از قرون جدید میان حوزه اجتماعی و حوزه سیاسی جدایی و انفکاک روشنی وجود نداشته، آموزش‌های مذکور بر کل زندگی اجتماعی سیاسی اعمال می‌گردید. اما در این خصوص که تا چه حد سازمان‌ها و سلسله مراتب و مقامات مذهبی داعیه دخالت در زندگی سیاسی و بویژه اداره امور دولتی را داشته‌اند، میان ادیان به دلایل مختلف تفاوت وجود داشته است. یکی از بهترین کارها در این زمینه گونه‌شناسی آیزنشتاد است. آیزنشتاد به نوعی گونه‌شناسی نظام‌های فرهنگی بزرگ

دست زده است که نقطه آغاز آنها به پیدایش مذاهب بزرگ بر می‌گردد که در آنها بین لاهوت و ناسوت خط فاصل کشیده و این دو مجموعه را از هم تفکیک می‌کنند و دیگر شاه و ذات باری تعالی از یک گوهر تصور نمی‌شوند. اما نوع رابطه‌ای که بین لاهوت و ناسوت برقرار می‌شود، در نزد این مذاهب متفاوت است. در مجموع آیزنشتاد نتیجه می‌گیرد که نظام‌های فرهنگی وحدانی اساساً تکثرگرا هستند. زیرا نخبگان سیاسی و مذهبی از هم جدا هستند و این تفکیک بن مایه تفکیک‌های بعدی است. (نقیب زاده، ۱۳۷۹)

در آستانه نهضت ملی شدن نفت دیدگاه‌های متفاوتی در میان روحانیت شیعه شکل گرفت که هر کدام از آنها آثاری را بر سرنوشت نهضت ملی شدن نفت بر جای گذاشت. هما نظور که مطرح شد ۴ جریان در میان روحانیون قابل شناسایی بود. در واقع نگاه روحانیت در ایران در این سالها به سیاست نه از نظرگاه فقهی بلکه از دیدگاه ناسیونالیسم و ضرورت اجرای قانون اساسی مشروطه به زندگی سیاسی بود. (بشیریه، پیشین: ۲۴۵) در این دوره به طور کلی روحانیت گرایش سیاسی فعالی نداشته‌اند در این دوره علمای برجسته‌ای مانند آیت الله بروجردی، در عرصه سیاست وارد نشدند. از سوی دیگر برخی چون آیت الله خوانساری، محلاتی، شاهرودی از کوشش‌های کاشانی در رابطه با مسئله نفت پشتیبانی کردند در واقع در جریان ملی شدن صنعت نفت اساساً مراجع و روحانیت محلی درگیر بودند. هر چند نمی‌توان نقش مثبت این دسته از روحانیت را نادیده گرفت ولی نمی‌توان این واقعیت را هم از نظر دور نگاه داشت که آیت الله بروجردی به عنوان پیش‌قراول این جریان و با اتخاذ خط مشی احتیاط آمیز سیاسی خاص به طور ضمنی به تأیید آن پرداخت. آیت الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی در خاطرات خود با صراحت از این رویکرد آیت الله چنین یاد می‌کند: «من [آیت الله بروجردی] در قضایایی که وارد نباشم و آغاز و پایان آن را ندانم و نتوانم پیش بینی کنم وارد نمی‌شوم. قضیه ملی شدن نفت را نمی‌دانم چیست، چه خواهد شد و آینده در دست چه کسی خواهد بود البته روحانیت به هیچ وجه نباید با این حرکت مخالفت کند که اگر با این حرکت مردمی مخالفت کند و این حرکت ناکام بماند در تاریخ ایران ضبط می‌شود. که روحانیت سبب این کار [شکست] شد. لذا به آقای بهبهانی و علمای تهران نوشتم که مخالفت نکنند. (احمدی، ۱۳۷۹: ۴۲) ایشان نهایت چیزی که در پاسخ دکتر مصدق نوشتند این بود: «موفقیت جناب عالی را در تقویت اسلام و اصلاح امور عامه مسلمین از خداوند تعالی مسئلت می‌نمایم.» (نشست تخصصی روحانیت، ۱۳۸۵: ۲۸۰) با این حال تمایل آیت الله صدر و آیت الله خوانساری، حمایت معنوی موثری

بود. زیرا آنها مراجع با نفوذ و دو تن از سه مرجعی بودند که پیش از ورود آیت الله بروجردی به حوزه علمیه قم این شهر را اداره می‌کردند. (موحد ابطحی، ۱۳۶۵: ۳۱۷) اگر چه حمایت آیت الله بروجردی جنبه اثباتی کمتری داشت و در جایی فتوایی صادر نکرد. همین طور نگرانی‌های مالی قم و عدم حضور روحانیون سرشناس در صحنه سیاسی کشور فعالیت‌های روحانیون را محدود ساخته بود. ولی پس از قتل رزم آرا به دست یکی از اعضای گروه فدائیان اسلام، سایر روحانیون سرشناس نیز رفته رفته گام به صحنه سیاست گذاشتند و شمار فزاینده‌ای از روحانیون بر لزوم ملی کردن شرکت نفت انگلیس و ایران فتوایی صادر کردند. چنین بر می‌آید که با مرگ رزم آرا سیل فتاوی‌ای علما جاری شد. (اخوی، پیشین: ۱۵۳) بنابراین روحانیت نیز که با احتیاط پیش آمده بود، یعنی مراجع محلی درگیر بودند نه مرجعیت مطلق و عامه، توانست اندیشه‌ها و موقعیت خود را در عمل محک بزند. (نشست تخصصی روحانیت، ۱۳۸۵)

قیام ۱۵ خرداد

قیام، بروز امواج نارضایتی در میان یک قشر یا قشرهای مختلف جامعه، بر علیه نظام حاکم است که منجر به طغیان ناگهانی آنها می‌شود و موجب تغییراتی در برنامه‌ها، سیاستها، رهبری و مدیریت و یا نهادهای سیاسی جامعه می‌گردد. ولی ساختار و ارزش‌های مسلط سیاسی و اجتماعی را دگرگون نمی‌سازد. زیرا هدف آن تنها نفس تغییر است بدون آنکه جایگزینی در نظر داشته باشد. به عبارت دیگر، یک قیام اجتماعی، اگر چه با بسیج مردمی همراه است اما طرح و برنامه‌ای مشخص، برای تغییر نهادهای اجتماعی و سیاسی ندارد. از این رو، تفاوت اساسی قیام و انقلاب، در ایدئولوژی و معنا و جایگاه تاریخی آنهاست. بدین ترتیب که، هدف قیام اجتماعی برخلاف انقلاب، تخریب و بازسازی سیاسی و اجتماعی یک جامعه نیست بلکه به صورت غیر مستقیم بر نهادهای سیاسی و اجتماعی تاثیر می‌گذارد و به طور اساسی، به معنی اعتراض خشونت آمیز به وضعیت موجود است. (بشیریه، ۱۳۷۲) با این حال قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، تغییرات بنیادینی در ساختار سیاسی - اجتماعی ایران ایجاد کرد و زمینه‌های پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را آماده ساخت. پس از تعریف قیام، بایستی به شرایط تاریخی دوره‌ای که به قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ منجر شد، پرداخت و سپس خاستگاه، انگیزه‌ها و اهداف، ماهیت، فرایند و نتایج و پیامدهای این قیام خونین را تبیین کرد. زیرا قیام پانزده خرداد تاثیرات عمیقی بر ساختار سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی ایران گذاشت و به

تعبیر امام خمینی (ره) "قیام ۱۵ خرداد اسطوره قدرت ستم‌شاهی را در هم شکست و افسانه‌ها و افسون‌ها را باطل کرد. (خمینی، ۱۳۷۱) پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و استقرار دوباره رژیم شاه، رفته رفته حکومت مطلقه و استبدادی شاه تحکیم و تثبیت شد. در این رابطه، حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا از سیاست‌های ضد مردمی شاه و فشار و اختناق حاکم بر جامعه که به وسیله ساواک صورت می‌گرفت، نقش اساسی داشت. اما در سال ۱۳۳۹، همزمان با تحولاتی که در صحنه سیاست بین‌الملل رخ داد، رژیم شاه ناچار به تغییر صوری سیاست‌های خود گردید و برخلاف میل باطنی خویش و فقط برای تظاهر به دموکراسی، نظام فرمایشی دو حزب دولتی موافق و مخالف، یعنی "ملیون" و "مردم" را راه انداخت. با پیروزی جان اف. کندی، نامزد حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، سیاست‌های داخلی و خارجی آن کشور، در آستانه دگرگونی خاصی قرار گرفت. زیرا کندی در پی آن بود که برای جلوگیری از قیام‌های مردمی در کشورهای جهان سوم که احتمال سرنگونی رژیم‌های وابسته به بلوک غرب، بویژه آمریکا را به دنبال داشت، رهبران این کشورها را به اجرای برنامه‌های اصلاحی خود، تشویق و ترغیب نماید. "دکترین" انقلاب از بالا" روستو، معاون امنیت ملی کندی، شالوده این اصلاحات را تشکیل می‌داد. همگام با کشورهای دیگر جهان سوم، این اصلاحات در قالب "فضای باز سیاسی کندی"، "اصلاحات ارضی"، "لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی" و "انقلاب سفید" در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - حقوقی و اجتماعی، در ایران اجرا شد. اوج این برنامه‌های بنیان برافکن در "انقلاب سفید" که "انقلاب شاه و مردم" نیز نام گرفت، تجلی یافت. این برنامه به اصطلاح انقلابی، در صدد تخریب بنیان‌های فرهنگی - اجتماعی ایران و مبارزه با فرهنگ مذهبی مردم ایران و به بیان دقیق‌تر، "اسلام زدایی" بود. اما این برنامه‌ها که با شرایط داخلی ایران سازگاری نداشت، موج بی‌ثباتی، ناآرامی و اعتراض مردم مسلمان ایران به رهبری نیروهای مذهبی که در راس آنها امام خمینی (ره) قرار داشت را برانگیخت. این ناآرامی و اعتراض، در نهایت منجر به قیام پانزده خرداد، در شهرهای بزرگ کشور، بویژه تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز، و... شد. اگر چه این قیام از نقطه نظر نظامی بشدت سرکوب شد لکن زمینه‌های فکری - فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را فراهم نمود. (علی بابایی، ۱۳۶۹) ایستگاه قیام از نقش و جایگاه روحانیت شیعه در جامعه ایران و پیروی مردم از آنها ناشی می‌شود. زیرا در طول یکصد سال اخیر تاریخ معاصر، روحانیت مبارز انقلابی به دلیل سیاست‌ها و برنامه‌های ضد اسلامی سلسله قاجار و خاندان پهلوی، توده‌های مردم

مسلمان ایران را بر علیه آنها بسیج کرده‌اند. در طول این یک‌صدسال، درک شیعه از مسایل سیاسی بتدریج دچار تحول شد و با سیاسی شدن افکار عمومی مردم، روحیه مبارزه جویی با نظام‌های طاغوتی در سرلوحه حرکت‌های آنها قرار گرفت. ابتدا قیام تنباکو بر علیه تسلط اقتصادی بیگانگان (انگلستان) شکل گرفت. سپس افکار عدالت‌جویانه و قانون‌خواهی در انقلاب مشروطیت و قانون اساسی مشروطه تبلور یافت. جنبش ملی شدن نفت نیز یک مبارزه ضد بریتانیایی بود که حیطة وسیعتری نسبت به قیام تنباکو داشت بالاخره نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲، در کوران اقدامات تسلط جویانه آمریکا که در پوشش یک سری اصلاحات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - حقوقی و اجتماعی انجام می‌شد، به وقوع پیوست و پایه‌های رژیم سلطنتی پهلوی را متزلزل کرد. در همه این جنبش‌های سیاسی - اجتماعی روحانیت مبارز شیعه نقش اصلی را برعهده داشت و قیام اخیر، با تلاش‌های مجدانه امام خمینی روی داد. (عنایت، ۱۳۷۹) همانگونه که گفته شد، منشا و خاستگاه قیام پانزده خرداد اندیشه‌های روحانیت مبارز شیعه، به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بود. در اندیشه‌ها و تفکر آن حضرت، تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام جایگاه خاصی داشت. بر این اساس، پیاده شدن قوانین اسلام در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع از انگیزه‌های اصولی نیروهای مذهبی محسوب می‌شد. اما با توجه به تخطی رژیم شاه از حدود الهی و عدم اجرای احکام اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از سنتها و ارزش‌های اسلامی، مقابله با برنامه‌های استعماری آمریکا و اسرائیل، مبارزه با حاکمیت و گسترش فرهنگ غربی که منافی با معیارهای فرهنگ اسلام ناب محمدی بود، از انگیزه‌های نسل جدید روحانیت، برای ورود به عرصه سیاسی کشور و وقوع قیام پانزده خرداد به شمار می‌رفت. (خلجی، ۱۳۷۳)

امام خمینی در مرحله اول مبارزه خود، درصدد پیشگیری و کنترل حرکت‌های ضد مذهبی رژیم شاه برآمد. اما هنگامی که این رژیم تهاجم همه جانبه خود را بر علیه حضرت امام و پیروانش آغاز کرد، شیوه دیگری برای مبارزه برگزیده شد که همانا رویارویی با اصل نظام شاهنشاهی بود. انگیزه دیگر امام، مبارزه با صهیونیسم جهانی و عوامل داخلی آنها و صیانت از احکام اسلام و قرآن و حفاظت از استقلال کشور و جلوگیری از نفوذ بیشتر اعضای فرقه ضاله بهائیت که به عنوان ستون پنجم اسرائیل در ایران عمل می‌کردند، بود. رژیم شاه در سال ۱۳۲۸، به طور غیر رسمی (دفاکتور) اسرائیل را به سمیت شناخته بود و زمینه نفوذ عوامل صهیونیسم را در ایران فراهم ساخته بود. (ازغندی، ۱۳۷۶) امام خمینی با نفی تز

استعماری "جدایی دین از سیاست" و تاکید بر نظریه مرحوم سید حسن مدرس مبنی بر "دیانت ما عین سیاست ما، و سیاست ما عین دیانت ماست"، و با صدور فرمان تحریم تقیه نقطه عطفی در فرهنگ سیاسی کشور ایجاد کرد که پایان دوران از خودبیگانگی را بشارت می‌داد. (عسگری، ۱۳۷۳) آن حضرت با ذکر عبارات "تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب (ولو بلغ ما بلغ (روحانی، ۱۳۶۰) به مثابه پیشوای روحانی و سیاسی مردم ایران، "تقیه" را که موجب خمودگی و افسردگی سیاسی مردم شده بود، مطرود دانسته و نظرات سیاسی - مذهبی خود را بیان کرد و بدینسان، عنوان بزرگترین مصلح تاریخ ایران و اسلام را به خود اختصاص داد. زیرا این عمل به منزله اصلاح طرز تفکر و روحیه مردم ایران بود. بدین ترتیب، رژیم شاه را بر سر دو راهی خطرناکی قرار داد. چون از یک سو، رهبری مذهبی شیعه، سیاست‌های استبدادی شاه را به طور علنی و رسمی مورد حمله قرار می‌داد و از سوی دیگر، دولت از رویارویی علنی با مذهب بیمناک بود. بنابراین، قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، دارای ویژگی‌هایی بود که هیچ یک از جنبش‌های سیاسی - اجتماعی پیشین ایران، واجد همه این خصوصیات نبودند. این مساله، قیام پانزده خرداد را یک حرکت سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی منحصر به فرد می‌سازد که نقطه عطفی در سیر تحولات سیاسی - اجتماعی ایران پدید آورد و سمت و سوی مذهبی بدان بخشید. ویژگی اصلی قیام پانزده خرداد، جنبه مذهبی آن بود که با حضور رهبران مذهبی و روحانیت معظم شیعه، توده‌های مختلف مردم ایران نیز در آن مشارکت جستند. بنابراین، در این مورد که حرکت پانزدهم خرداد، یک قیام صددرصد اسلامی - مردمی بوده هیچ تردیدی نیست. در واقع مرجعیت تقلید، به شکلی کاملاً روشن عامل مذهب را عامل اصلی مبارزه مردم علیه رژیم معرفی نمود. از طرفی چون اکثریت مردم ایران مسلمان هستند و انگیزه‌های مذهبی بیشتر از هر چیز دیگری در آنها تاثیر دارد، به پیروی از اصول اسلامی و به تبعیت از دستورات ائمه اطهار آماده بودند تا پا به میدان مبارزه بگذارند. (باقری، ۱۳۷۴)

ویژگی‌های دیگر این نهضت عبارتند از:

- ۱- قرار گرفتن مرجعیت شیعه در سطح رهبری نیروهای مذهبی. هنگامی که امام خمینی^(ع) به عنوان یک مرجع تقلید، رهبری یک جنبش سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی را بر عهده گرفت، دیگر مراجع را نیز با خود همراه کرد. ۲- فراگیری و پوشش دادن به حرکت‌های سیاسی موجود. حضور امام خمینی نیروهای مذهبی را گردهم آورد و از تفرقه آنها جلوگیری کرد. ۳- رویارویی با اصل نظام شاهنشاهی. در حالی که، جنبش‌های پیشین دارای این ویژگی

نبودند. ۴- ضد امپریالیسم و ضد صهیونیسم بودن مبارزه. امام خمینی^(۶) از ابتدای نهضت خود قدرت‌های استعماری شرق و غرب و صهیونیسم جهانی و اسرائیل را به مبارزه طلبید. ۵- ممانعت از اجرای سیاست دموکراسی کنترل شده کندی که در دیگر کشورهای وابسته جهان سوم در حال اجرا بود. زیرا حرکت امام خمینی^(۷)، رژیم شاه را ناگزیر به اعمال خشونت کرد و بدین ترتیب، چهره واقعی این رژیم برای جهانیان و مردم ایران روشن تر شد. ۶- آشکار شدن قدرت مذهب به وسیله بسیج گسترده مردمی و مقاومت در مقابل برنامه‌های نامشروع شاه. (پارسانیا، ۱۳۷۶)

فرایند قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲

اولین شعله‌های آتش مخالفت با سیاست‌های ضد اسلامی و غیر مردمی رژیم شاه، پس از تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی برافروخته شد. زیرا، براساس این تصویب‌نامه که به صورت غیر قانونی و به هنگام تعطیلی مجلس‌های شورای ملی و سنا، در هیات دولت اسدالله علم تهیه، تنظیم و تصویب شده بود، رسمیت دین اسلام از قانون اساسی کشور لغو می‌شد. نمایندگان انجمن‌های مذکور، در مراسم تحلیف به جای قرآن مجید به کتاب آسمانی سوگند یاد می‌کردند و بدین ترتیب، زمینه‌های حقوقی و قانونی به قدرت رسیدن بهائیان و عوامل اسرائیل در ایران فراهم می‌شد. همچنین، با هیاهوی اعطای حق رای به زنان، و سوء استفاده از آن، مخالفین برنامه‌های رژیم شاه، مخالف آزادی زنان قلمداد می‌شدند، اما رژیم شاه به دلیل مخالفت گسترده نیروهای مذهبی، مجبور به لغو رسمی این تصویب‌نامه شد. با این حال، اعتراض به رژیم شاه ادامه یافت و با اعلام فراندم "انقلاب سفید!" اوج گرفت. برای خاموشی صدای مخالفین، نیروهای مسلح و عوامل امنیتی رژیم شاه به مدرسه فیضیه قم که در آن مجلس بزرگداشت شهادت امام صادق برپا بود، حمله کردند. این واقعه خونین و حوادث بعدی، مانند دستگیری طلاب و اعزام آنان به سربازی، بر آتش خشم مردم دامن زد. سخنرانی پرشور و تاریخی حضرت امام خمینی، در عصر عاشورای ۱۳۴۲ (۱۳ خرداد) که در آن شدیدترین حملات خود را متوجه شخص شاه، آمریکا و اسرائیل نمود و آنها را عامل بدبختی مملکت دانست، تاب و توان رژیم شاه را به پایان رساند. این رژیم، در یک حرکت انفعالی، اقدام به دستگیری و انتقال امام به تهران نمود. پخش خبر دستگیری آن حضرت، موج اعتراض افشار گوناگون مردم ایران را به گونه ای باور نکردنی برانگیخت. این مساله، مورد تأیید بیشتر محققان

و نویسندگان تاریخ معاصر ایران می باشد. (خلجی، ۱۳۷۳) صدها هزار نفر از مردم ایران، در شهرهای تهران، قم، مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز، ورامین و ... به تظاهرات و راهپیمایی پرداختند. این راهپیمایی با شدت هرچه تمامتر به خاک و خون کشیده شد و هزاران نفر از تظاهرکنندگان (حدود پانزده تا بیست هزار نفر) به شهادت رسیدند. رژیم شاه برای چندمین بار توانست، با کشتار مردم ایران حاکمیت خود را برای پانزده سال دیگر تضمین کند. حاکمیتی که با خفقان مطلق و استبداد کامل همراه بود. حاکمیتی که به بهای کشتار هزاران نفر از فرزندان این ملت و تبعید رهبر قیام به دست آمده بود.

انقلاب اسلامی ایران

ویژگی این تحول نسبت به سایر تحولات قرن بیستم این است که انقلاب اسلامی در شرایطی به وقوع پیوست که حکومت پهلوی دوم برای نظام بین‌الملل دو قطبی به سرکردگی آمریکا و شوروی، جزیره‌ای کاملاً آرام و امن در خاورمیانه محسوب می‌شد و کمتر کسی ایران را در شرایط انقلابی تصور می‌نمود؛ بدان خاطر که اکثر برآوردها از توان نظام موجود در ایران در نهایت به ثبات نسبی ختم می‌شد. لذا با وجود چنین شرایطی هرگز احتمال نمی‌رفت که چنین دولتی که در تعامل با هر دو قطب نظام بین‌الملل بوده و پشتیبانی هر دو را همراه داشت، به آسانی و در مدت کوتاهی در مقابل جریان انقلاب به زانو درآید. علاوه بر آنکه حضور فعال انگلیس و آمریکا در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد، تصور هرگونه انقلاب را برای حاکم شدن جریان‌ات ضد غربی با یأس مواجه می‌ساخت. ویژگی دیگر این انقلاب این است که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل، ارزشها و هنجارهایی را مطرح کرد که ضمن تعارض با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود، باعث چالش در نظام بین‌الملل شد. مهمترین ارزشها عبارتند از: استقلال، آزادی، عدالت، حق تعیین سرنوشت، همبستگی و اتحاد مستضعفان، بیداری مسلمانان، حقانیت ملت‌های محروم، حقطلبی، همکاری، همیاری، مبارزه علیه وضعیت موجود در نظام بین‌الملل همچون قدرت طلبی، غارتگری، زور گویی، انحصار طلبی، پایگاه خارجی، تجاوز، امپریالیسم، استعمار، جهالت و ... ایران اسلامی با طرح این ارزشها در سیاست خارجی خود، تلاش کرد تا افکار عمومی ملل محروم و مستضعف جهان. سوم را جهت تغییر و تحول در نظام بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد و ارزشهای مطرح شده را تبدیل به هنجار سازد. لذا انقلابیون دست به گسترش و صدور الگوی انقلاب اسلامی

ایران در سراسر جهان زده و با توجه به ایدئولوژی جهان شمول اسلامی، اهدافی همچون احیای هویت واحد اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب را در سرلوحه کارهای خود قرار داده و از اینرو انقلاب ایران تهدیدی برای نظام جهانی و منافع ابرقدرتها محسوب شده و موجب شکل‌گیری تحولات عمیقی در جامعه جهانی و نظام بین‌الملل شد. انقلاب اسلامی در عرصه ایدئولوژیک، با احیای ارزش‌های دینی و آرمان‌های مذهبی در جهان و زمینه‌سازی حیات دوباره معتقدین به نقش برجسته دین در اجتماع، جوامع لیبرال را که همواره در جهت به انزوا کشیدن و حاشیه راندن دین و تعالیم آن حرکت نموده بودند، با تحولات شگرف و غیرمنتظره‌های مواجهه نموده است. در واقع پیروزی این انقلاب، موجب احیای نقش دین و دینداری در دنیای سکولار شده و عظمت و عزت دینداران را در سراسر جهان احیا نمود. از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران، انقلابی به نام دین می‌باشد، در اینصورت اگر معتقد باشیم که در دوران رنسانس، غرب دین را از صحنه اجتماعی بیرون کرد، پس باید گفت که در مقابل آن، انقلاب اسلامی ایران دین را به صحنه اجتماع باز گرداند. یکی از نکات قابل توجه پیروزی انقلاب این است که در جریان انقلاب، بسیاری از افرادی که شناخت عمیقی از اسلام نداشتند - حتی غیر مسلمانان در گوشه و کنار جهان - درصدد شناخت ایدئولوژی واقعی اسلام برآمدند. در گوشه و کنار دنیا از مردم مسلمان و محرومان آفریقا، آمریکای جنوبی، آمریکای شمالی، جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه گرفته تا خاورمیانه عربی و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و جنوب لبنان همه و همه تحت تأثیر مثبت قدرت و ارزشهای انقلاب اسلامی ایران قرار گرفتند و آثار این تأثیر کاملاً در بعد ایدئولوژی کم‌حسوس و ملموس است. پس از گذشت قریب به سی سال از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تاکنون هزاران اثر اعم از کتاب و مقاله درباره این انقلاب نگاشته شده است ولی تعداد کمی از آنها به ارائه تعریفی مشخص از این انقلاب پرداخته‌اند. این آثار، ابعاد مختلف این انقلاب شامل ویژگی‌ها، زمینه‌ها، اهمیت، روند و نتایج آن را مورد توجه و مطالعه قرار داده‌اند، اما بسیاری از آنها به طور دقیق تعریفی از این پدیده و آنچه که اتفاق افتاده و این همه قابلیت نوشتن و تحقیق داشته است، ارائه نکرده‌اند. با این همه، تعاریف متعدد ارائه شده، خود نیز طیف گسترده‌ای هستند که قابلیت دسته‌بندی‌های مختلف را دارند. اکنون پس از مروری مختصر بر برخی از این تعاریف، تعریف خویش از انقلاب اسلامی ایران را تقدیم می‌کنیم و همان را مبنایی برای ادامه این نوشتار قرار خواهیم داد.

استاد شهید مرتضی مطهری برای معرفی انقلاب اسلامی ایران، آن را شاخه‌ای از انقلاب انبیاء، خصوصاً انقلاب صدر اسلام، در همان حالی که ارزیابی و در این چارچوب آن را تعریف می‌کند. بر اساس این تعریف همان طوری که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال، انقلابی سیاسی، معنوی، اجتماعی و انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود؛ یعنی آزادگی، عدالت، نبودن تبعیض‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است. در واقع، هیچ یک از ابعادی که در بالا به آن اشاره شد، بیرون از اسلام نیستند و موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل معنویت تکیه داشتیم، بلکه آن دو عامل - مادی و سیاسی را نیز با اسلامی کردن محتوای آن، در خود قرار داده است. فی‌المثل، مبارزه با معنوبیتی عمیق همراه است، از سوی دیگر روح آزادی خواهی در تمام دستورات اسلامی به چشم می‌خورد. (مطهری، ۱۳۵۹) جلال الدین فارسی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ در ایران را یک تحولی کیفی در همه شئون جامعه می‌داند که در آن اجتماعی بودن به مفهوم توحیدی- اسلامی است و توحیدی، وصفی است برای کیفیت خاصی که تحولات شئون مختلف جامعه به آن منتهی می‌شود. (فارسی، ۱۳۷)

محمدباقر حشمت زاده معتقد است: انقلاب اسلامی یعنی احیاء و تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه به صورت سریع و همراه با خشونت و خونریزی در جهت نیل به کمال انسانی و اسلامی. (حشمت زاده، ۱۳۷۸)

محسن میلانی بر این باور است که: "حادثه سال ۱۳۵۷ انقلاب به شمار می‌رود، چرا که طی آن رژیم شاه با مشارکت جمعی طبقات پایین جامعه سرنگون، دولت مردان و اساس مشروعیت آن متحول و ساختارها و نهادهای جدیدی با جای آن ایجاد شد. (میلانی، ۱۳۸۱) به این ترتیب و با توجه به نکات فوق الذکر می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران عبارت است از: پدیده‌ای که در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ با یک تظاهرات مردمی از شهر قم، پایتخت مذهبی ایران، در اعتراض به توهین روزنامه اطلاعات به یک رهبر دینی- اسلامی یعنی آیت الله روح الله خمینی آغاز می‌شود. رژیم شاه با سرکوب خونین این تظاهرات آرام باعث شد اعتراضات مردمی در قالب بزرگ داشت‌های دوره‌ای چهل روزه شهدا در مساجد شهرهای مختلف ایران و برگزاری تظاهرات‌های گسترده تر و پرجمعیت‌تر تشدید یابد. رهبری این حرکت مردمی فزاینده و گسترده با امام خمینی است که از شبکه روحانیت و مساجد در سراسر کشور برای ساماندهی اعتراضات و تظاهرات‌های مردمی در اقصی نقاط ایران بهره می‌گیرد. ایدئولوژی

تغذیه کننده این حرکت عظیم مردمی دین اسلام و به طور خاص مذهب تشیع است که بعدها از آن به اسلام سیاسی یاد می‌کنند. با تکیه بر این ایدئولوژی و رهبری امام خمینی، حرکت اعتراضی ساده نخستین به تقاضا برای تغییر و تحول بنیادین تغییر شکل می‌دهد و این تغییر و تحول به تدریج و در خلال ماه‌های انقلاب در خود مردم تظاهر کننده در حوزه‌های فرهنگی، فکری، اجتماعی، اخلاقی و عقیدتی اتفاق می‌افتد و به چشم می‌خورد. تغییر رژیم سیاسی ایران و سرنگونی شاه به یکی از تقاضاهای بنیادین مردم ایران تبدیل می‌شود و همین امر، مقاومت شدید رژیم شاه و سرکوب انقلابیون و تظاهرکنندگان را به همراه دارد. همزمان با اوج گیری خشونت و خونریزی نیروهای مسلح و امنیتی - انتظامی شاه، که کشته‌ها و قربانیان بسیاری بر جای گذارد، مشارکت تظاهراتی مردم در حرکت انقلابی خود ابعادی عمیق تر و گسترده تر یافت. عکس العمل انقلابیون و مردم مشارکت کننده در تظاهرات میلیونی انقلابی به این خشونت‌های خونین و فزاینده، مسالمت جویانه و صرفاً به صورت افزودن بر تعداد، دفعات و گستردگی تظاهرات مردمی بود. بالاخره این حرکت انقلابی مبتنی بر تظاهرات مسالمت آمیز، فزاینده، گسترده و میلیونی در تظاهرات روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ به اوج خود می‌رسد به گونه‌ای که امام خمینی و ناظران بیرونی این تظاهرات میلیونی ملی و سراسری را رفراندومی علیه رژیم شاه ارزیابی می‌کنند. به فاصله کمی از این تظاهرات و بالاخره شاه زیر فشار این حضور مردمی گسترده در انقلابی مردمی علیه سلطنت خود، ناچار شد ایران را در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ ترک کند. به فاصله کمتر از یک ماه پس از خروج شاه، رهبر تبعیدی انقلاب اسلامی در جریان، پس از ۱۵ سال دوری از وطن و ملت در تاریخ ۱۲ بهمن همان سال (۱۳۵۷) در میان استقبال چند میلیونی مردم در خیابان‌ها به کشور باز می‌گردد. ده روز بعد یعنی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷؛ حرکت انقلابی مردم ایران پس از سه روز درگیری مسلحانه با بخش کوچکی از نیروهای مخصوص گارد شاهنشاهی به پیروزی می‌رسد. نخستین نتیجه مشهود این حرکت انقلابی ۱۳ ماهه، تغییر رژیم سیاسی ایران از پادشاهی به جمهوری، آن هم از نوع جمهوری "اسلامی" است. این انقلاب تحولات و تغییرات عمیقی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران از خود بر جای می‌گذارد، تحولاتی که مبنای آن ایدئولوژی اسلامی این انقلاب بوده است. به این ترتیب انقلابی که در سالهای ۵۶ و ۵۷ در ایران اتفاق می‌افتد، انقلابی به نام اسلام و برای اسلام است. آنچه انگیزه اصلی مردم در خیابانها و در تظاهرات خونین چندین ماهه را

تشکیل می‌داد تباین و تضاد رژیم مستقر با اصول، ارزشها و قواعد اسلامی بود و آنچه نیز به جای آن مطالبه و خواسته می‌شد، جامعه و حکومتی اسلامی بود که برقرار کننده اصول، ارزش‌ها و آرمان‌ها اسلام باشد. مطالبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظیر استقلال، آزادی، امنیت، عدالت، سلامت، عفت، صداقت، معنویت و... در ذیل جامعه و حکومت اسلامی خواسته می‌شود. چنین خواسته و محتوایی برای یک انقلاب همانی است که بعدها و به فاصله کمی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، "اسلام سیاسی" خوانده می‌شود.

اسلام سیاسی

شاید نخستین نکته‌ای که در تعریف واژه اسلام سیاسی بایستی بدان توجه شود، تاریخ تولد این واژه است. در جستجوی اصطلاح اسلام سیاسی در میان واژگان سیاسی به راحتی مشاهده می‌شود که قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، چنین وجود خارجی نداشته است. نقشی که اسلام و ایدئولوژی اسلامی در جریان انقلاب سال ۵۷ ایران بازی می‌کند، تولد و شیوع تدریجی واژه اسلام سیاسی است؛ یعنی همان اسلامی که در ایران وارد سیاست شده و با انقلابی عظیم رژیم مستقر شاه را سرنگون و رژیمی از نوع اسلامی جایگزین آن کرد. بکارگیری اصطلاح اسلام سیاسی در غرب برای نامیدن جریانی در جهان اسلام که سودای ایجاد تغییر و تحول در جوامع اسلامی با تکیه بر دین اسلام را دارد، خود امری قابل تحلیل است. شاید دلیل اینکه غرب، اسلام را به دو نوع اسلام سیاسی در نتیجه آن اسلام غیر سیاسی تقسیم کرد، به این دلیل باشد که در قاموس غربیان سکولار و در نتیجه حاکمیت چند قرن سکولاریسم در غرب، اساساً دین بایستی غیر سیاسی باشد، چرا که در چارچوب فکری ایشان دین دارای کارکرد و نقش صرفاً فردی و نه قطعاً اجتماعی است، همانی که صرفاً به تنظیم رابطه افراد باورمند با خدا می‌پردازد، رابطه‌ای که در خلوت اتفاق می‌افتد و در نتیجه، هیچ بود و نمود اجتماعی ندارد و یا نباید داشته باشد. در غرب و جهان امروز این پدیده همانی است که با عنوان سکولاریسم یا لائسیته یاد می‌شود، همانی که اصطلاحاً به جدایی دین از سیاست شهرت یافته است. همان کالای فکری که تمدن غالب غرب در کنار صدها واژه فکری ایدئولوژی یکدیگر دائماً در صدد صدور و حاکمیت بخشی به آن در کل جهان بشری بوده است. آنچه در ایران، سالهای ۵۶ و ۵۷ و به تبع آن در جهان اسلام اتفاق افتاد، پدیده‌ای بود که درست در نقطه مقابل داده‌ها و روندهای شکل یافته و موجود در غرب است؛ یعنی کارکرد اجتماعی و

سیاسی پیدا کردن یک‌دین؛ یعنی اسلام. در جریان یک انقلاب مردمی گسترده با تولد انقلابی مبتنی بر اسلام در ایران، اسلام عملاً سیاسی و این اسلام سیاسی با به پیروزی رساندن یک انقلاب عظیم در سالهای پایانی قرن بیستم به جهان معرفی می‌شود. بدین گونه است که واژه اسلام سیاسی خلق می‌شود، واژه‌ای که در به کارگیری آن، پایان عصر حاکمیت و غلبه سکولاریسم بر جهان یا حداقل راهی جدید و کاملاً متفاوت و متضاد با آن نیز نهفته است. قبل از شهرت یافتن و جا افتادن واژه اسلام سیاسی، غرب برای نامیدن آنچه در ایران انقلاب اسلامی افتاده و در جهان اسلام نیز با سرعت زیاد گسترش یافت، بیشتر از واژگان بنیادگرایی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی استفاده می‌کرد. بعدها و به تدریج واژه اسلام سیاسی توانست به طور تقریبی جایگزین این واژگان و واژگان دیگری نظیر احیاء اسلامی، رنسانس اسلامی، بیدارگری اسلامی، جنبش‌های اسلامی، نهضت‌های اسلامی و... شود.

به اعتقاد نویسنده کتاب **اسلام سیاسی در ایران** مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از گروه‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین، اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به شمار آورد که گرد مفهوم مرکزی "حکومت اسلامی" نظم یافته است. این گفتمان بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است اسلام، نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست دارد و به دلیل تکیه بر وحی، از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسانی، برتر است. حکومت اسلامی برآمده از اسلام نیز به همین دلیل از دیگر نظام‌های سیاسی موجود، برتر است. در این گفتمان از تعبیرهای اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه استفاده می‌شود و بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی تنها راه حل بحران‌های جامعه معاصر به شمار می‌آید. هدف نهایی این گفتمان، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه، به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود. هواداران اسلام سیاسی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرند که دنیا و آخرت انسان را در می‌گیرد و برای همه حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد. بدین ترتیب، این گفتمان در مقابل همه گفتمان‌های مدرن و سنتی که اعتقادی به ادغام دین و در نسبت سنجی بین اسلام سیاسی و غرب، سیاست ندارد، قرار می‌گیرد. (حسینی زاده، ۱۳۸۶) ایشان چنین ادامه می‌دهند که: "گفتمان‌های اسلام سیاسی، برخلاف بنیادگرایان و سنت‌گرایان، مدرنیته را به طور کامل نفی نمی‌کنند، بلکه می‌کوشند اسلام را با جامعه مدرن سازگار نشان دهند. البته اینان جنبه‌های

سکولار تمدن غرب را نفی می‌کنند و مشکل‌های جوامع معاصر را به دوری از دین و معنویت نسبت می‌دهند و راه‌هایی از آنها را در توسل به ارزش‌های دینی و بازگشت به اسلام می‌دانند. در واقع، اسلام سیاسی در پی ایجاد نوعی جامعه مدرن اسلامی است که در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت تمدن غرب، از آسیب‌های آن به دور باشد. در نظر اسلام‌گرایان، چنین جامعه‌ای انسان امروزی را به سر منزل مقصود می‌رساند و سعادت دنیا و آخرت او را فراهم خواهد کرد. (حسینی زاده، ۱۳۸۶) یکی از محوری‌ترین اصول در حیات بشر عدالت است که سرچشمه نیکی‌ها و ارزش‌ها و مایه تحقق اهداف انسانی می‌گردد و جامعه به حیات مطلوب خود نمی‌رسد مگر به اقامه عدالت و از این رو در راستای تحقق حیات طیبه، خداوند تبارک و تعالی از جمله فلسفه بعثت انبیاء را زمینه‌سازی برای تحقق عدالت اجتماعی بر می‌شمارد. در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای عدالت اجتماعی از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است از این رو در طرح رابطه انقلاب اسلامی و عدالت اجتماعی می‌فرماید: در این مرحله از انقلاب هدف عمده عبارت است از: ساختن کشور نمونه که در آن رفاه مادی همراه با عدالت اجتماعی و توأم با روحیه و آرمان‌های انقلابی با برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام تأمین شود. هر یک از این چهار رکن اصلی تضعیف یا مورد غفلت قرار گیرد بقای انقلاب و عبور آن از مرحله گوناگون ممکن نخواهد بود. (خمینی، ۱۳۸۲)

درباره اهمیت اصل عدالت اجتماعی می‌فرمایند: در محیط سیاست داخلی یکی از چیزهایی که لازم است عدالت اجتماعی است بدون عدالت اجتماعی جامعه اسلامی نخواهد بود. بنابراین حیات تداوم و پویایی انقلاب اسلامی که ثمره خود را در نظام جمهوری اسلامی تجلی بخشیده است وابسته به اصل عدالت اجتماعی است این اصل را ایشان این چنین تعریف می‌نماید: عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابه حق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پاهرنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند احساس و مشاهده کنند که به سمت حذف محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می‌گیرد با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دستاندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود. همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجاء مطمئن پناه ببرد و همه بدانند که با کار و تلاش خود خواهند توانست زندگی مطلوبی داشته باشد. (خمینی، ۱۳۸۲) براساس این دیدگاه است که مقام معظم رهبری زنگ خطر را در مقوله سازندگی و رشد اقتصادی در کشور به صدا در می‌-

آوردند و هشدار می‌دهند که نباید عدالت اجتماعی در تمامی ابعاد آن به خصوص در بعد اقتصادی فراموش شود ایشان می‌فرمایند: در نظام جمهوری اسلامی ایران اساس همه فعالیت‌ها باید مبتنی بر عدالت باشد زیرا قسط و عدل از همه آرمانها و اهداف نظام اسلامی والاتر و بارزتر است و بر این اساس رونق و شکوفایی اقتصادی هنگامی خوب و ارزشمند است که جهت آن مبتنی بر ادامه قسط و عدل در جامعه باشد رشد اقتصادی در جامعه ما هدف اصلی نیست بلکه رشد اقتصادی جزئی از هدف ماست و جزء دیگر عبارت از عدالت است هر برنامه اقتصادی آن وقتی معتبر است که با خودش به تنهایی یا در مجموعه برنامه‌ها ما را به هدف عدالت نزدیک کند والا اگر ما را از عدالت اجتماعی دور کند به فرض بر اینکه رشد اقتصادی منتهی شود کافی نیست. (همان، ۱۳۸۲) اگر وحدت در میان همه اقشار جامعه لازم و ضروری است، اما وحدت در میان مسئولین ضرورت دوجندان دارد که بارها معظم رهبری بر این امر تأکید داشته‌اند. به عنوان نمونه به چند مورد از کلام ایشان اشاره می‌کنیم "قوای سه‌گانه و همه فعالان سیاسی و فرهنگی بدانند که حفظ منافع ملی در وحدت و پرهیز از تفرقه و اختلاف است سلیقه‌ها و گرایش‌های متفاوت نباید در صحنه افکار عمومی به نزاع و مجادله و کشمکش تبدیل شود و دشمن کمین گرفته را امیدوار کنند همه با هم به نیازها و خواسته‌های بحق مردم در امور اقتصادی و فرهنگی بیندیشد و برای تأمین آن دست به دست یکدیگر بدهند". (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۰) از نظر مقام معظم رهبری هوشیاری و حفظ وحدت موجب مصونیت ملت در برابر تهدیدهای دشمن است ایشان در این زمینه نفس‌آمدگی و هوشیاری و حساس بودن یک ملت در قبال شرایط می‌تواند او را از بسیاری از آسیب‌ها محفوظ نگه دارد ملت‌ها چوب‌غفلت‌های خود را می‌خورند همچنان که چوب‌اختلاف‌های خود را می‌خورند امروز امت اسلام اگر در مقابل تهدیدات قرار می‌گیرد و اگر به جنگ صلیبی تهدید می‌شوند این ناشی از غفلتی است که متأسفانه در بسیاری از بخش‌های این امت بزرگ به چشم می‌خورد همچنین ناشی از یکپارچه نبودن این حجم عظیم و این پیکر بزرگ است ما به سهم خود به عنوان ملت ایران به عنوان پرچم داران اسلام به عنوان منادیان استقلال و عزت و شرف یک ملت باید این آسیب‌ها را به درون خود راه ندهیم. از نظر مقام معظم رهبری نیاز اساسی کشور به تلاش هماهنگ و متحد مسئولان نظام است بنابراین ایشان در این زمینه اظهار مسئله اساسی که امروز کشور و ملت ما به آن احتیاج دارد این است که مسئولان کشور در یک جبهه واحد تلاش داشته‌اند. (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با نیروی ارتش ۱۳۸۰/۱۱/۱۹) از طرفی

مقام معظم رهبری می‌فرماید: توصیه مؤکد من به مسئولان این است که مسئولان نظام را از اختلاف و دشمنی با یکدیگر بر حذر می‌دارند و می‌فرمایند: "هماهنگی را برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم شروع کنند این سطوح مدیریتی نظام دشمنان با ایادی خود می‌خواهند اختلاف ایجاد کنند دشمن این را می‌خواهد و اصرار دارد که مدیران کشور را در جبهه‌های متفاوتی نشان دهد آرزوی دشمنان است که قوای سه گانه به جان هم بیفتند مجلس به جان قوه قضاییه به جان دولت و دولت به جان قوه قضاییه مسئولان باید هشیار باشند و نگذارند بدانند امروز کشور به چه چیزی نیاز دارد. (بیانات رهبر انقلاب در اجتماع مردم استان زنجان، ۱۳۸۲/۷/۲۱)

دین و انقلاب

پاسخگویی به این سوالات که آیا اسلام با سیاست رابطه‌ای دارد یا خیر، سرشت و ماهیت دین نسبت به تغییرات اجتماعی و انقلاب چیست؟ تعریف قلمرو دین و اینکه آیا دین مانع انقلاب است یا موجب و برانگیزاننده آن؟ دیدگاه‌های متعددی درباره این مسئله وجود دارد. برخی وجود دین را فقط و فقط برای پاسخگویی به نیازهای روحی و فردی لازم می‌دانند و دین یک سلسله تعالیم اخلاقی و پند و اندرز تعریف می‌شود. در این رویکرد، دین مجموعه‌ای از باورها و فارغ از موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه است. این تلقی بیشتر با آیین تحریف شده مسیحیت و تحولات پس از رنسانس، که منجر به جدایی دین از سیاست شد، منطبق و البته اسلام با این نگرش به شدت مخالف است. دیدگاه دیگر نسبت به دین، نگاه محافظه کارانه است. تحلیل مارکسیستی از دین در این چارچوب می‌گنجد که بر اساس آن، دین تنها در خدمت برخی از اقلیت جامعه خواهد بود. بدون تردید، دین کارکردهای مؤثری از خود در عرصه اجتماع باقی می‌گذارد و ایجاد وحدت و روحیه همبستگی و یکپارچگی و تنظیم برنامه زندگی انسانها در عرصه اجتماع است. با دقت در حوادثی که منجر به انقلاب فرانسه گردید، مشاهده می‌کنیم که این انقلاب با هدف جدایی دین از سیاست صورت گرفت، به همین دلیل در شکل‌گیری آن، آیین مسیحیت نقشی نداشت و رهبران این انقلاب نه تنها دخالت مذهب را در امور سیاسی منع می‌کردند، بلکه، مذهب را صرفاً در قلمرو مسائل شخصی قلمداد کردند. انقلاب اسلامی در ایران نقطه مقابل انقلاب فرانسه است. ریشه این انقلاب از اسلام بوده و با هدف احیای دین و حاکمیت ارزش‌های دینی در عرصه اجتماع شکل گرفت.

اسلام و انقلاب اسلامی

دین مبین اسلام مبتنی بر یک نظام ارزشی است که در آن، شاخص‌های جامعه سیاسی آرمانی عرضه شده است. رهبران دینی شیوه‌ها و راهکارهای عملی تحول و دگرگونی جامعه را ارائه می‌دهند و اسلام در پردازش شیوه‌ها، در مقایسه با سایر مکاتب، معیارهایی دارد که با آنچه امروزه در جهان رایج شده، متفاوت می‌باشد. حرکت در چارچوب اسلام، حاکمیت اخلاق و اینکه اسلام استفاده از هر وسیله برای رسیدن به هدف را جایز نمی‌داند، خطوط کلی حاکم بر این شیوه‌هاست. بسیاری از ابعاد نظام سیاسی اسلام در قرآن کریم، آمده و انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته از تعالیم آن و تاریخ تشیع است. ارائه نگرش صحیح و سازنده از تاریخ اسلام و سیره اهل بیت (علیهم السلام) باعث تحول فکر و اندیشه مردم است و برخی معتقدند علت اصلی وقوع انقلاب اسلامی در ایران، روح حاکم بر تفکر و جهان بینی اسلامی بود. پیش از ایجاد هر انقلاب مردمی در جامعه، انقلاب فردی در درون رخ می‌دهد. (مصباح، ۱۳۸۵) قرآن کریم می‌فرماید: مردم و جامعه تغییر نمی‌کنند، مگر آنکه خود افراد تغییر و تحول یابند. (سوره رعد، آیه ۱۱) از آنجا که برای ایجاد انقلاب در اندیشه، باید در جهان بینی و وضعیت روحی جامعه تحول ایجاد شود، از رسالت‌های مهم پیامبران و انبیاء الهی، دگرگونی فکر و اندیشه است. نظام اعتقادی اسلام نقش مهمی در موضع‌گیری انسان در عرصه اجتماع دارد. هر چه اعتقادات و باورهای جامعه از استحکام بیشتری برخوردار باشد، نقش موثرتری در مواجهه با مشکلات ایفا می‌کند. روح حقیقی توحید، نفی فراعنه و شرک و طاغوت را به همراه دارد و در مسیر مبارزه با ظلم، قدرت‌پایداری می‌دهد. اعتقاد به آخرت، الهام بخش مبارزه، شهادت طلبی و اجرای حدود الهی در جهان است. دو اصل نبوت و امامت نیز گویای سیره عملی رهبران دینی به عنوان الگو و راهنمای مردم به شمار می‌رود. زندگی سراسر مبارزه و جهاد ائمه اطهار (ع) در تاریخ پرافتخار شیعه، درس بزرگی برای پیروان آنان در طول تاریخ است. به همین دلیل، تحولات انقلاب در طول تاریخ پس از عصر غیبت امام عصر (عج) ریشه در قیام عاشورا و موضع‌گیری سیاسی، مبارزاتی ائمه معصومین دارد. همچنین نظام حقوقی اسلام، ضرورت حاکمیت الهی در جامعه، اهمیت عنصر اجتهاد و نهاد مرجعیت، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر نقش مهمی در اتخاذ روش‌های انقلابی در مواجهه با حاکمان غیردینی دارد. در نظام تربیتی اسلام نیز عناصر مهمی برای مواجهه با طاغوت وجود دارد. استاد شهید مطهری (ره) معتقد است که نفی روحیه تمکین و سازش و در مقابل، واجد روحیه پرخاشگری بودن،

طرد و انکار از زمینه‌های مهم عصیان و مقاومت علیه رژیم‌های ضد دینی به شمار می‌رود. (مطهری، ۱۳۷۵) در یک نگرش کلی کارکردهای مهم ایدئولوژیک دین از سویی، به چالش طلبیدن وضع موجود جامعه و از سوی دیگر، ترسیم آینده‌ای مطلوب و آرمانی و ارائه راهکارهایی برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است.

رژیم ستم‌شاهی و حذف اسلام از زندگی مردم

در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، یکی از شاخص‌ها، اسلام زدایی، توسط رژیم گذشته است. در پیدایش جنبش‌ها و نهضت‌ها، اسلام، همواره از موانع عمده مقابله با استعمار و استبداد به شمار می‌رفته است. در عصر حاکمیت پهلوی، این رژیم، با کمک و حمایت آمریکا و انگلیس روی کار آمد و اسلام زدایی را از اصول ثابت سیاسی‌اش محسوب می‌دانست. به عنوان مثال از محورهای عمده اسلام زدایی و تلاش رژیم پهلوی در تحقق این امر می‌توان به برپایی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله که با هدف تحقیر فرهنگ و تمدن اسلامی و بازنویسی آثار تاریخ باستان اشاره نمود. این اقدام با انجام تبلیغات فراوان داخلی و خارجی و هزینه هنگفت در تخت جمشید برگزار شد و منجر به واکنش شدید امام خمینی (ره) گردید. (روحانی، ۱۳۷۸) همچنین برگزاری یادبود هزاره فردوسی به منظور تأکید بر زبان فارسی، حذف واژه‌های عربی، حفظ ملیت ایرانی و ترویج آئین زرتشت از دیگر اقدامات این رژیم در عصر پهلوی اول بود. حکومت پهلوی می‌کوشید با استخدام نویسندگان، احکام دینی را در قالب رمان و داستان به استهزا بگیرد و با انتشار کتاب‌هایی که توسط غریزدگان نوشته می‌شد، در القای بی دینی و ایجاد شبهه و در نتیجه تضعیف ایمان و باورهای مذهبی مردم تلاش کند. نگارش مقاله **رشیدی مطلق** در حمله به رهبر انقلاب در سال ۱۳۵۱ از جمله این اقدامات بود و چاپ این مقاله موجب واکنش مردمی و رخداد قیام ۱۹ دی و شتاب گرفتن انقلاب در ایران گشت. ترویج فساد و فحشا از دیگر اقدامات رژیم شاه بود که با هدف بی تفاوت سازی نسل جوان جامعه شکل می‌گرفت. (روحانی، ۱۳۸۳) تحریک اقلیت‌های دینی از دیگر مظاهر اسلام زدایی به شمار می‌رفت. گسترش روابط با اسرائیل و حمایت از بهایان نیز از سیاست‌های مهم رژیم بود که موجب اعتراض شدید حضرت امام خمینی (ره) در آن زمان قرار گرفت.

نقش مساجد در پیروزی انقلاب

نقش مساجد به عنوان یکی از کانون‌های مهم تجمع، تبادل پیامها و تعمیق جریان انقلاب حایز اهمیت است. در تکوین انقلاب اسلامی، نهادهایی چون مساجد که مرکز تجلی فرهنگ اسلامی هستند، نقش سازماندهی نیروهای درگیر با رژیم را ایفا می‌کردند. در صدر اسلام نیز علاوه بر آنکه مساجد، کانونی برای عبادات محسوب می‌شدند، مرکز فعالیت‌های اجتماعی نیز به حساب می‌آمدند. از سوی دیگر، در حملات دشمنان به جهان اسلام نیز مساجد از اولین کانون‌هایی بوده‌اند که مورد تخریب و هتک حرمت قرار گرفته‌اند. مسجد در طول تاریخ اسلام، کانون عبادت، آموزش، پایگاه قضاوت و داوری، مکانی برای ارتباط جمعی و تبادل اخبار و پایگاه جهاد و حرکت‌های انقلابی بوده است. نهضت امام خمینی^(ع)، که موجب احیای مفاهیم اسلامی بود، باعث تحول در کارکرد دین و ایفای همان نقش‌های اولیه‌ای گردید که مسجد داشت. امام راحل در این زمینه فرمودند: «مسجد در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش حرکت‌های اسلامی بوده است. از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام (حرکت می‌کرده است) و همیشه در صدر اسلام، مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است». همچنین امام معتقد بود، مساجد به منزله سنگرند که باید از آنجا به دشمن شیبخون زد. (امام خمینی، ۱۳۸۳) امام امت در این زمینه در سال ۱۳۵۷ و در پیامی اعلام می‌کنند که گویندگان در مساجد وظیفه دارند مصایب رژیم را در طول پنجاه سال سلطنت پهلوی به اطلاع مردم برسانند و آنها را آگاه کنند. (همان، ۱۳۸۳) در نتیجه، نقشی که مساجد در شعله ور ساختن انقلاب تا پیروزی آن به عهده داشتند و تعرضی که رژیم به برخی مساجد داشت و منجر به تعطیلی و آتش زدن بعضی از آنها گردید، نشان دهنده ماهیت انقلاب و به عبارت دیگر، نقش اسلام در تکوین و شکل‌گیری انقلاب است.

مناسبت‌های دینی

نمادهای اسلامی نشانه همبستگی جامعه دینی به شمار می‌روند. تاسوعا، عاشورا و اعیاد اسلامی مانند غدیر خم از جمله این نمادها هستند. رژیم ستم‌شاهی می‌خواست روزهایی چون جشن تاجگذاری را به عنوان جایگزین معرفی کند و این نمادها را، که ریشه در اسلام و فرهنگ ایران داشت، کم‌رنگ جلوه دهد و از بین ببرد. بزرگترین اعتراضات مردمی در طول انقلاب در تاسوعا و عاشورای حسینی شکل گرفته است. قیام ۱۵ خرداد نیز مصادف با ایام

عاشورا بود. در سال ۱۳۵۷، بیش از دو میلیون نفر در تهران در راهپیمایی این روز شرکت کردند که موجب شگفتی ناظران خارجی شد. برگزاری مراسم یادبود برای شهدا از دیگر نمادهای دینی است که موجب تداوم حرکت انقلاب شد. این اقدام از سال ۱۳۵۶ شروع شد. حضرت امام با توجه به نقشی که محرم و صفر در تکوین و تداوم انقلاب داشت، بر حفظ سنت‌های آن تاکید فراوانی داشته و آن را ضامن حفظ و تداوم انقلاب می‌شمردند. (همان، ۱۳۸۳) بی شک نقطه آغاز انقلاب، موقعیت‌ها و ایامی بود که در آن انقلاب شتاب فزاینده‌ای به خود می‌گرفت. ایام و موقعیت‌های مذهبی متعلق به اسلام نظیر تاسوعا، عاشورا و اربعین حسینی از این قبیل بود.

روحیه شهادت طلبی و ایثار

اسلام در مواجهه با ظلم و دفاع از حقیقت، مسلمانان را به جهاد با جان و مال دعوت می‌کند. پایداری در جهاد، گاه منجر به پیروزی و گاه منجر به مرگ می‌گردد که در فرهنگ اسلامی، از آن به «شهادت» تعبیر می‌شود. تاریخ اسلام سرشار از قیام شیعیان در جهت حاکمیت خود و دفاع از آن بوده است. در سایه مکتب اسلام، مرگ و کشته شدن در راه دفاع از ارزش‌های دینی، فوز عظیم تلقی می‌گردد. انتشار آثار مهمی درباره «جهاد» و «شهید» از جمله کتاب شهید مطهری، نشانگر تاثیر نهضت احیای امام خمینی و دیگر اندیشمندان اسلامی است. انقلاب اسلامی ترجمان بسیاری از آیات و روایات، به ویژه در زمینه «شهادت» و «جهاد» است. از سوی دیگر، سخنان و پیام‌های امام درباره شهید و شهادت طلبی، خود، انگیزه و محرک تداوم حرکت انقلاب شد. وصیت نامه شهدای انقلاب و دعوت آنان از مردم برای حفظ تداوم انقلاب نیز از عوامل مؤثر در ادامه راه آنان بود. یکی از کارگزاران رژیم نیز در تحلیل انقلاب اسلامی به عنصر شهادت طلبی اشاره کرده و می‌نویسد: «توجه به آمیخته‌ای که از مذهب و نیروی جوانان در ایران به وجود آمده سر اصلی سقوط شاه را مکشوف می‌کند. در این میان، اگر کسی به اهمیت نقش شهادت طلبی در مذهب شیعه نیز آگاهی داشته باشد حتماً به خوبی می‌داند که در این مذهب، اگر کسی کشته شود قدرتش از کسی که او را کشته است به مراتب افزون تر خواهد بود». (هویدا، ۱۳۷۳) رهبری انقلاب در مواضع متعدد بر شهادت، صبر، استقامت و اعتقاد به اصل «احدی الحسنین» تاکید می‌کنند. بر اساس اصل انجام

تکلیف الهی، امام، اعلام کردند که ما تکلیف الهی خود را ادا می‌کنیم و به احدی الحسینین نایل خواهیم شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش کردیم تا به بررسی نقش دین در جنبش هاس سیاسی از مشروطه تاکنون با بررسی انقلاب اسلامی ایران، قیام ۱۵ خرداد و ملی شدن صنعت نفت پرداختیم. در این راه با بررسی کتب و مقالات مرتبط به تبیین شرایط وقوع هر کدام از وقایع پرداخته و در این باره به نقش دین و به ویژه دین اسلام پرداخته شد، که نتایج حاصل مبین نقش مهم و اثر گذار دین در این اتفاقات بود. به شکلی که شاید مهمترین دلیل اتحاد مردم و وقوع چنین رخدادی و تغییراتی که از نظر مردم و در جه بهبود شرایطشان انجام پذیرفت همین موضوع دین بود. همین دین بد که باعث می‌شد مردن از جان شیرین خود به سادگی بگذرند، با توجه به همین دین مردم به اصول رهبری پایبند بودند و توانستند آنچه را که می‌خواهند محقق سازند.

منابع فارسی:

کتاب

- قرآن کریم

- اخوی، شاهرخ (۱۳۷۲)، نقش روحانیون در صحنه سیاسی ایران ۱۹۵۴-۱۹۴۹، از کتاب مصدق نفت و ناسیونالیسم ایرانی، چاپ ۳، تهران

- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، روابط خارجی ایران، "دولت دست نشانده"، ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران، نشر قومس

- امینی، داوود، (۱۳۸۱)، جمعیت فدائیان اسلام و نقش آن در تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

- ایرانی، ناصر (۱۳۷۱)، بحرانی دموکراسی در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی

- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، جامعه شناسی سیاسی، چاپ ۲، تهران، نشر نی

- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

- باقری، علی (۱۳۷۴)، خاطرات پانزده خرداد، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، جلد دوم

- خمینی، روح الله، (۱۳۸۲)، ولایت فقیه، چاپ دوم، نشر موسسه فرهنگی الانتظار

- (۱۳۸۳)، صحیفه نور، ج ۱۸

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰)، راهبردهای ولایت جلد ۵، پیام به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب

- حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید

- حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۷۸)، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر

- حمید پارسانیا، حدیث پیمان (۱۳۷۶)، پژوهشی در انقلاب اسلامی، چاپ دوم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی

- روحانی (زیارتی)، سید حمید (۱۳۶۵)، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران، راه امام

- (۱۳۶۰)، بررسی و تحلیلی از: نهضت امام خمینی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات راه

امام

- طاهر زاده بهزاد، کریم (۱۳۹۰)، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت، تهران، نشر اقبال
- طهرانی، شیخ آقا بزرگ (۱۳۶۲)، میرزای شیرازی، ترجمه اداره پژوهش و نگارش، ناشر وزارت ارشاد اسلامی، بی جا
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۶۸)، سنت‌های تاریخی در قرآن/ جلال الدین فارسی، فلسفه انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر
- عسگری، مهدی (۱۳۷۳)، قدرت علمای شیعه، بی جا
- فارسی، جلال الدین (۱۳۷۴)، فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا
- (۱۳۶۸)، فلسفه انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- فاتح، مصطفی (۱۳۵۸)، پنجاه سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام
- فخر روحانی (۱۳۸۳)، اهرمها، سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی، تهران
- فردوست، حسین (۱۳۶۸)، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران، اطلاعات
- کاتوزیان، محمد علی (۱۳۷۱)، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- لمبتون، آن، لی (۱۳۷۹)، نظریه دولت در ایران، ترجمه چنگیر پهلوان، چاپ ۲، تهران، گيو
- (۱۳۶۳)، سیری در تاریخ بعد از اسلام، ترجمه یعقوب آریابدد، تهران، امیرکبیر
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۲۹)، طلای ایران یا بلای ایران، بی جا
- لوبون، گوستاو (۱۳۷۱)، روانشناسی توده‌ها، ترجمه کیومرث خواجوی‌ها، تهران، روشنگران
- میلانی، محسن (۱۳۸۱)، شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی، تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران، گام نو
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی
- (۱۳۵۹)، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران، انتشارات صدرا
- محمد تقی مصباح (۱۳۸۵)، جامعه و تاریخ، تهران، نشر حکمت
- محمدی، میلاد (۱۳۷۶)، انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های روسیه و فرانسه، تهران، نشر سعید
- مجتبی احمدی و دیگران (۱۳۷۹)، چشم و چراغ مرجعیت: مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

- مدنی، سیدجلال الدین(۱۳۶۹)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱ و ۲، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه
- میر ترابی، سعید (۱۳۸۴)، مسائل نفت ایران، تهران، پاژنگ
- موحد ابطحی، سید حجت (۱۳۶۵)، آشنایی با حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، جلد ۱۱، تهران، کیهان
- نیکی. ار. کدی(۱۳۶۹)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم
- نقیب زاده، احمد (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران، سمت
- هویدا، فریدون(۱۳۷۳)، اسرار سقوط شاه، ترجمه مهران سلحشور، جلد ۱، بی جا

مقالات

- امینی، علی اکبر (۱۳۸۰)، مصدق و حلقه اقبال ناممکن، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۹۸-۱۹۷
- عنایت، حمید(۱۳۷۳)، انقلاب در ایران ۱۹۷۹، ترجمه منتظر لطف، فصلنامه فرهنگ، شماره ۴

پایان نامه

- خلجی، عباس(۱۳۷۳)، تاثیر اصلاحات دوره ۴۲ - ۱۳۳۹ بر وقوع قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

English resources

- Graham, Robert.(1980) **iran: The vision of power** newyork :sitmarins press